



## The Reasons for Establishing a Commercial Court from the Point of View of the Subject Law

**Farid Komijani<sup>1</sup>, Seyed Vahid Lajevardi<sup>2\*</sup>, Hossein Javar<sup>3</sup>**

1. PhD Student, Department of Private Law, Arak Branch, Islamic Azad University, Arak, Iran.

2. Associate Professor, Department of Law, Arak Branch, Islamic Azad University, Arak, Iran. (Corresponding Author)

3. Associate Professor, Private Law, Faculty of Law, College of Farabi, University of Tehran, Qum, Iran.

### ARTICLE INFORMATION

**Type of Article:**

**Original Research**

**Pages: 243-259**

**Corresponding Author's Info**

**ORCID: 0000-0000-0000-0000**

**TELL: +98.....**

**Email: .....**

**Article history:**

**Received: 15 Apr 2025**

**Revised: 26 Jun 2025**

**Accepted: 18 Aug 2025**

**Published online: 22 Dec 2025**

**Keywords:**

*Commercial Court,  
Commercial Lawsuits,  
Judicial Proceedings, Subject  
Rights.*

### ABSTRACT

Commercial courts, as one of the key institutions in the legal system of any country, play a significant role in resolving commercial disputes and protecting the rights of merchants and businesses. The formation of these courts is necessary in order to facilitate the process of dealing with commercial claims and to create a suitable legal platform for economic activities. In this regard, knowing the reasons for the formation of commercial courts from the point of view of the subject law, can help to better understand the legal structure and functions of these institutions. The reasons for establishing commercial courts are mainly due to the need for specialization in dealing with complex commercial claims, speeding up the judicial process and reducing the workload of public courts. Also, due to the ever-increasing developments in the field of trade and global economy, the existence of a special judicial system to deal with commercial issues guarantees legal security and investors' trust. In this article, a more detailed examination of the reasons for the formation of commercial courts will be done from the point of view of subject law, so that a deeper understanding of the importance and function of this institution in the legal system can be achieved. The findings of the current research, which was carried out using a descriptive-analytical method, indicate that resorting to judicial proceedings in commercial courts will facilitate the handling of cases and ultimately the issuance of specialized judgments.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2025 The Authors.

**How to Cite This Article:** Komijani, F; Lajevardi, SV & Javar, H (2025). "The Reasons for Establishing a Commercial Court from the Point of View of the Subject Law". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 5(4): 243-259.



انجمن علمی فقه‌پژای تپیتی ایران

# فصلنامه فقه‌پژای تپیتی

www.jccj.ir



فصلنامه فقه‌پژای تپیتی

دوره پنجم، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۴

## علل تشکیل دادگاه تجاری از منظر حقوق موضوعه

فرید کمپجانی<sup>۱</sup>، سیدوحید لاجوردی<sup>۲\*</sup>، حسین جاوری<sup>۳</sup>

۱. دانشجوی دکتری گروه حقوق خصوصی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران.

۲. استادیار، گروه حقوق، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران. (نویسنده مسؤل)

۳. دانشیار، گروه حقوق خصوصی، دانشکدگان فارابی، دانشگاه تهران، قم، ایران.

### چکیده

دادگاه‌های تجاری به‌عنوان یکی از نهادهای کلیدی در نظام حقوقی هر کشور، نقش به‌سزایی در حل‌وفصل اختلافات تجاری و حمایت از حقوق تجار و کسب‌وکارها ایفا می‌کنند. تشکیل این دادگاه‌ها به‌منظور تسهیل فرآیند رسیدگی به دعاوی تجاری و ایجاد یک بستر قانونی مناسب برای فعالیت‌های اقتصادی ضروری است. در این راستا، شناخت علل تشکیل دادگاه‌های تجاری از منظر حقوق موضوعه، می‌تواند به درک بهتر ساختار حقوقی و کارکردهای این نهادها کمک کند. علل تشکیل دادگاه‌های تجاری عمدتاً ناشی از نیاز به تخصص‌گرایی در رسیدگی به دعاوی پیچیده تجاری، تسریع در فرآیند دادرسی و کاهش بار کاری دادگاه‌های عمومی است. همچنین با توجه به تحولات روزافزون در عرصه تجارت و اقتصاد جهانی، وجود یک سیستم قضایی خاص برای رسیدگی به مسائل تجاری، تضمین‌کننده امنیت حقوقی و اعتماد سرمایه‌گذاران است. در این مقاله، به بررسی دقیق‌تر علل تشکیل دادگاه‌های تجاری از منظر حقوق موضوعه پرداخته خواهد شد تا بتوان به درک عمیق‌تری از اهمیت و کارکرد این نهاد در نظام حقوقی دست یافت. یافته‌های پژوهش حاضر که به روش توصیفی - تحلیلی صورت گرفته، حاکی از این است که توسل به رسیدگی قضایی در دادگاه‌های تجاری، موجب تسهیل در رسیدگی به پرونده‌ها و در نهایت صدور رأی به‌صورت تخصصی خواهد شد.

### اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۲۴۳-۲۵۹

اطلاعات نویسنده مسؤل

کد ارکید: .....

تلفن: +.....

ایمیل: .....

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۲۶

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۴/۰۴/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۲۷

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۰/۰۱

واژگان کلیدی:

دادگاه تجاری، دعاوی تجاری، رسیدگی قضایی، حقوق موضوعه.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

## مقدمه

برای رسیدگی به اختلافات تجاری پیچیده در دادگاه‌های تجاری به رویه‌ای متفاوت، خاص و بهره‌گیری از تخصص و دانش علمی و عملی تجاری نیاز هست. بنابراین عملیاتی‌شدن دادگاه‌های ویژه دعوی تجاری، باوجود عوامل نرم‌افزاری، نظیر وجود قوانین و مقررات ماهوی و شکلی و عوامل سخت‌افزاری نظیر ساختار و تشکیلات دادگاهی، دفتر و شعب، نیروی انسانی و ... ممکن است، پس، تدارک نظام قضایی ویژه در این باره از طریق تشکیل دادگاه‌های تجاری تخصصی ضروری به نظر می‌رسد. ناگفته نماند که مقدمه تشکیل چنین محاکمی اصلاح قوانین و مقررات حوزه تجارت است تا افزون بر وجود قانون مؤسس، قضات دادگاه‌های تجاری نیز در رسیدگی به دعوی با استناد بدان، تکلیف قضیه مطرح‌شده را تعیین کنند.

## ۱- ساختارها و تشکیلات قضایی (عوامل سخت‌افزاری)

تجربه دستگاه قضایی ایران نشان می‌دهد در خوش‌بینانه‌ترین حالت، حتی در صورت تصویب لایحه آیین دادرسی تجاری نیز ساختار و تشکیلات کنونی نظام قضایی با در نظر گرفتن تمام ظرفیت‌ها و امکانات موجود، آمادگی لازم را برای ایجاد دادگاه‌های اختصاصی جدید با دادگاه‌های تجاری را ندارد. سابقه رسیدگی به دعوی تجاری در دادگاه‌های حقوقی و با تمسک به آیین دادرسی مدنی دلالت دارد که این دادگاه‌ها و آیین رسیدگی، ظرفیت و توانایی لازم برای رسیدگی ویژه به دعوی تجاری را ندارند و این امر به تشکیل دادگاه‌های تجاری و تدوین مقررات اختصاصی وابسته است، پس، باوجود دادگاه‌های عمومی - حقوقی که صلاحیت عام برای رسیدگی به کلیه دعوی را دارند (مگر آنچه در قانون در صلاحیت دادگاه دیگری دانسته شده است)، همچنان ضرورت تأسیس دادگاه‌های تجاری در نظام حقوقی و قضایی ایران احساس می‌شود. دادگاه تجاری، همانند هر دادگاه دیگر از ارکان فیزیکی و منابع انسانی تشکیل شده است که در ادامه به آن پرداخته می‌شود:

## ۱-۱- تشکیل دادگاه تجاری

سابقه تلاش برای احیای دادگاه‌های تجاری در قانون «بهبود مستمر محیط کسب و کار»، مصوب ۱۳۹۰ دیده می‌شود. در ماده ۲۹ قانون یادشده چنین آمده است: «قوه قضاییه و دولت اقدامات قانونی لازم را برای تنظیم آیین دادرسی تجاری و تشکیل دادگاه‌های تجاری به عمل می‌آورند». بنابراین لایحه آیین دادرسی تجاری برای عمل به این تکلیف قانونی تدوین شده است.

برای تشکیل دادگاه اختصاصی در حوزه دعوی تجاری به تصویب قانون مؤسس و پشتیبان آن و تدارک ساختارهای لازم، اعم از منابع انسانی، تخصیص ساختمان‌های خاص، بدین منظور، تصویب قانون آیین دادرسی خاص و ... نیاز هست.

## ۱-۱-۱- قضات آموزش دیده (متخصص در حقوق و تجارت)

در دعوی تجاری، تخصص قضات عاملی حیاتی است و درباره استفاده از قضات در دادگاه‌های تجاری رویکردهای مختلفی وجود دارد که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- نخستین دیدگاهی که ممکن است رویکرد محافظه‌کارانه‌تری نیز به نظر برسد، استفاده از قضات حرفه‌ای باتجربه در امور تجاری است، مانند انگلستان و ولز که در فهرست دادگاه بازرگانی آن سیزده قاضی متخصص و دارای پیشینه گسترده در اختلافات تجاری وجود دارد. به‌طور مشابه، در ایالات متحده و به‌ویژه در نیویورک، قضات بخش بازرگانی برای مدت نامحدودی مشغول به خدمت هستند و معمولاً آن‌ها از تجربه در امور تجاری، حقوق تجارت، املاک، مستغلات و دعوی برخوردار بوده و همچنین به‌عنوان اعضای دادگاه عالی ایالت نیویورک به‌شمار می‌روند (Mitsi, 2022).

۲- رویکرد دیگر در برخی کشورها انتصاب قضات حرفه‌ای و غیررسمی در دادگاه‌های تجاری است که معمولاً تاجر یا مقامات اداری هستند، یعنی برای پذیرش این ساختار ترکیبی به ارزیابی تأثیر آن نیاز هست. آلمان در این دسته قرار می‌گیرد، زیرا در اتاق‌های بازرگانی آن، یک قاضی ارشد حرفه‌ای و دو قاضی غیرحرفه‌ای به‌صورت قاضی افتخاری خدمت می‌کنند.

به دلیل بی تجربگی آنها انتقاد شده است (Wagner & Arntz, 2020: 3-30).

دو عامل مرتبط دیگر با قضاات دادگاه تجاری شرایط انتصاب قضاات و ملیت آنهاست. درباره مدت زمان انتصاب، در برخی نظام‌های قضایی، مانند ایالات متحده آمریکا تضادهای شدیدی هست و در آن، قضاات برای مدت نامحدود و مطابق با عرف حقوقی آمریکا منصوب می‌شوند. از سوی دیگر، در نظام‌های قضایی کشور سنگاپور قاضی برای مدت معین یا برای رسیدگی به یک پرونده خاص منصوب می‌شود. به نظر می‌رسد رویکرد اغلب نظام‌ها درباره تابعیت کاملاً یکسان است، زیرا در اصل، قضاات، اتباع کشوری هستند که دادگاه در آن قرار دارد. برای مثال، قضاات منصوب اتاق‌های بازرگانی دادگاه‌های تخصصی در آلمان که به پرونده‌های بین‌المللی رسیدگی می‌کنند، همگی از اتباع آلمان هستند (Mitsi, 2022).

در نظام حقوقی ایران، قضاات دادگاه‌های تجاری برای اشتغال در این منصب باید برخی شرایط عمومی و اختصاصی را داشته باشند و مطابق ماده ۱ آیین‌نامه نحوه جذب، گزینش و کارآموزی داوطلبان تصدی امر قضا و استخدام قضاات، مصوب ۱۳۹۲ دو شیوه جذب عمومی (مواد ۵-۲) و اختصاصی (مواد ۶-۱۲) برای جذب قضاات معرفی شده است. همچنین قضاات دادگاه‌های اختصاصی متخصصانی هستند که این تخصص را از طریق علم (تخصص حقوقی) و عمل (تخصص تجارتي) باهم به کار می‌گیرند.

بدیهی است که با اختصاصی شدن دادگاه، قضاات بر موضوعی متمرکز می‌شوند که در حیطه صلاحیت آنهاست. ناگفته نماند که افزون بر متخصص بودن مقامات رسیدگی کننده، تشکیلات قضایی نیز باید تضمین کننده رسیدگی تخصصی باشد و قانون‌گذار در ماده ۱۱ لایحه آیین دادرسی تجاری برای تضمین رسیدگی مقامات متخصص راه‌حلی در نظر گرفته است؛ مطابق ماده یادشده، قضاات این دادگاه باید حداقل پنج سال سابقه قضایی و گذراندن دوره‌های آموزشی تخصصی را داشته باشند.

درواقع این قضاات غیرحرفه‌ای از بین افراد داوطلب انتخاب می‌شوند و داشتن سابقه حرفه‌ای حقوقی برای تصدی منصب یادشده الزامی نیست. از این رو ضروری است که این اشخاص آموزش‌های حقوقی لازم را فراگیرند (فروهوشی، ۱۳۹۸).

۳- نمونه‌ای از نظام قضایی که در آن، قضاات دادگاه‌های تجاری صرفاً از بین قضاات غیرحرفه‌ای انتخاب می‌شود، فرانسه است. در این دادگاه‌ها قضاات، مقامات آموزش دیده حقوقی نبودند، بلکه تاجران هستند که سایر تجار آنها را برای حل و فصل اختلافات تجاری انتخاب می‌کردند (قضاات صنفی). امروزه، در دادگاه تجاری فرانسه قضاات منتخب (از بین افراد هم صنف تجاری و نمایندگان تجارت) به صورت داوطلبانه و بدون دستمزد مشغول به خدمت هستند، زیرا اساساً قانون تجارت مبتنی بر عمل و رویه است و نه صرف نظریه (تئوری) (فروهوشی، ۱۳۹۸). نظر به این که، قضاات دادگاه تجاری، از قضاات غیرحرفه‌ای هستند، هدف قانون‌گذار از تبیین شرایط آنها هم این بوده است که آنها در زمینه امور تجاری تجربه و تبحر لازم را داشته باشند، ولی این امر برای قضاوت و تصمیم‌گیری صحیح و متناسب با پیچیدگی پرونده‌های تجاری کافی به نظر نمی‌رسد (الیوت و ورنون، ۱۳۸۷).

۴- رویکرد دیگری که در مقایسه با رویکرد نخست، محافظه کارانه تر به نظر می‌رسد، استفاده از قضاات حرفه‌ای و دارای تجربه فعالیت در امور تجاری است. در این مورد، قضاات تجاری از بین رده قضاات ارشد یا در انگلستان، وکلای مجرب ارشد (وکلای پایه یک) که ممکن است وکلا، شرکای شرکت حقوقی یا وکلای دولتی را شامل شود، انتخاب می‌شوند و آموزش‌های تخصصی را با توجه به تجربیات موجود خود دریافت خواهند کرد. مزیت قضاات غیررسمی بیان دیدگاه عملی و در برخی موارد، دانش تخصصی در حوزه تجارت و صنعت برای حل و فصل اختلافات است و ممکن است این کار، در صورت استفاده از ساختار دقیق از نیاز به آموزش قضاات حرفه‌ای در امور تجاری بکاهد (Mitsi, 2022).

با این حال، معایبی هم دارد که به اثربخشی رویه‌های رسیدگی دادگاه مربوط است. برای مثال، در آلمان درباره دخالت قضاات غیررسمی در رسیدگی به اختلافات حقوقی یا تفسیر قانون،

- قضات منتخب، ترکیبی از حقوق دانان و تاجران حرفه‌ای منتخب هر صنف باشند تا هر دو گروه در رسیدگی به پرونده‌ها حق رأی مساوی داشته باشند.

- رویکردی که باتوجه به شرایط دادگاه‌ها و نظام قضایی ایران مناسب‌تر به نظر می‌رسد، جذب قضات از میان داوطلبانی است که رشته‌های دانشگاهی آنان در مقطع تحصیلات تکمیلی با امور تجاری نظیر حقوق تجارت بین‌الملل یا حقوق خصوصی مرتبط باشد. همچنین داشتن تحقیقات و پژوهش‌های مرتبط با این حوزه را می‌توان امتیازی برای جذب قضات در نظر گرفت.

درنهایت درباره تعداد قضات دادگاه تجاری باید گفت، باتوجه به حکم فرمابودن اصل وحدت قضات در سازمان قضایی عمومی و حقوقی در لایحه نیز از این اصل، تبعیت و در ماده ۲ لایحه در این باره چنین مقرر شده است: «دادگاه تجاری با حضور رییس و در غیاب وی، دادرسی علی‌البدل و حداقل یک مشاور تشکیل می‌شود.»

#### ۲-۱-۱- نهاد مشاوره

در نظام قضایی ایران، نهاد مشاوره پیش از لایحه آیین دادرسی تجاری، در قانون حمایت خانواده، مصوب ۱۳۹۱، قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری، مصوب ۱۳۹۲ و قانون آیین دادرسی کیفری، مصوب ۱۳۹۲ دیده می‌شود. مزایای پیش‌بینی این نهاد در دادگاه تجاری:

اول، کمک شایانی بر غنای حقوقی آرای صادره و عادلانه‌بودن آن‌هاست. درواقع درصورت حضور مشاور دادگاه، نیاز چندانی برای ارجاع پرونده به کارشناس وجود ندارد و همین امر به کاهش زمان لازم برای صدور رأی و درنهایت تسریع رسیدگی می‌انجامد.

دوم، استفاده از مشاور به‌طور بالقوه کاهش درصد خطای دادگاه در تشخیص عرف‌های تجاری را به‌دنبال دارد.

سوم، استفاده از تجارب و تخصص مشاور در عرف تجاری به کاهش طرح دعوا خواهد انجامید، زیرا به‌علت آشنایی مشاور با عرف‌های تجاری و اشراف بر آن‌ها او در رویه‌های فریبنده اصحاب دعوا گرفتار نخواهد شد، درنتیجه، اصحاب دعوا یا از

در ماده ۳ آیین‌نامه اجرایی گزینش و استخدام قضات، مصوب ۱۳۷۹ حداقل شرط سنی ۲۲ سال مقرر شده و با سپری‌شدن دوره یک‌ساله کارآموزی، داوطلب قضاوت می‌تواند در ۲۳ سالگی به قضاوت بپردازد و با فرض داشتن مدرک کارشناسی ارشد یا رشته‌های مرتبط، او می‌تواند مطابق ماده ۱۱ لایحه با داشتن سه‌سال سابقه قضاوت، در ۲۶ سالگی قاضی دادگاه تجاری شود.

در نظام قضایی ایران، نظر به انتصاب شخص برای منصب قضاوت به امر مقامات دولتی، این ضابطه چندان مؤید متخصص‌بودن فرد در امور تجاری نیست. نقص دیگر ماده ۱۱ لایحه یادشده این است که مطابق بند ۱، برای قضات دادگاه تجاری حداقل پنج‌سال سابقه قضاوت در محاکم حقوقی مقرر شده است، حال آن‌که این سابقه کافی به‌نظر نمی‌رسد، زیرا ممکن است، شخص باوجود داشتن پنج‌سال سابقه قضاوت در محاکم حقوقی، در امور تجاری به‌اندازه کافی متخصص نباشد. همچنین در دادگاه‌های حقوقی مسائل و پرونده‌های مختلفی مطرح می‌شود که ممکن است اندکی از آن‌ها تجاری باشد (موسوی، ۱۳۹۲).

نکته دیگر این‌که، صرف گذراندن دوره‌های آموزشی درباره امور تجاری موجب متخصص‌شدن قضات در این حوزه نمی‌شود. حوزه تجارت و معاملات تجاری دارای موضوعات مختلف است و با گذراندن دوره‌های آموزشی محدود نمی‌توان به مسائل، اصطلاحات و مهارت‌های تجاری آگاه شد. مطلب دیگر، وجود تبصره در ماده یادشده است؛ مطابق تبصره ماده ۱۱ لایحه آیین دادرسی تجاری «دارندگان مدرک دکترای رشته حقوق خصوصی یا رشته‌های مرتبط، دوسال و برای دارندگان مدرک کارشناسی ارشد رشته‌های مزبور، سه‌سال» سابقه قضاوت کافی است. نکته مبهم تبصره مشخص‌نشدن رشته‌های مرتبط است. بنابراین پیشنهاد‌های نگارنده برای رفع اشکالات ماده یادشده به شرح زیر است:

- قضات از بین تاجران شناخته‌شده در حوزه‌ای از تجارت انتخاب شوند که در زمان خدمت یا قبل از آن آموزش‌های حقوقی لازم را نیز سپری کرده باشند یا این‌که از میان تجار و با رأی خود تجار برگزیده شوند.

نشده است. بنابراین معلوم نیست در چنین وضعیتی قاضی باید نظریه تکمیلی را درخواست کند یا خیر. بنابر مطالب گفته شده چنین ایراداتی ممکن است از کارایی مد نظر در نهاد مشاوره بکاهد (کاویانی و همکاران، ۱۳۹۴). همچنین مفاد ماده ۲ لایحه دلالت دارد که مشاور باید در دادگاه تجاری حضور دائمی داشته باشد که برای این امر باید تعداد زیادی نیروی انسانی برای استقرار در هریک از شعب دادگاه تجاری تأسیس شده در شهرستان‌های متعدد استخدام شوند. از این رو تأمین بودجه لازم برای پرداخت حقوق و دستمزد برای دستگاه قضایی نسبتاً سنگین خواهد بود و شایسته است که حضور مشاور در دادرسی تجاری به شرایط خاصی نظیر، پیچیدگی پرونده یا تجاوز میزان خواسته آن از مبلغ خاصی مشروط شود.

### ۳-۱-۱- کارشناس

نهاد کارشناسی با مشاور تفاوت‌های زیادی دارد و مشاور، افزون بر امور موضوعی در امور حکمی نیز دخالت دارد. از طرف دیگر، حوزه فعالیت کارشناس و مشاور از هم جداست، زیرا کارشناس در مسائلی اظهار نظر می‌کند که جنبه فنی و تخصصی دارد و درک آن برای قاضی دادگاه دشوار است. حال آن‌که، مشاور به تبیین و تشخیص رویه‌ها و عرف‌های تجاری معمول و معتبر می‌پردازد. بنابراین چنان‌چه تاجر کالایی را به دیگری بفروشد و خریدار، مدعی ایراد خسارت به وی در نتیجه معیوب بودن کالای خریداری شده باشد، تشخیص عیب کالا برعهده کارشناس مربوط است، ولی در صورتی که امر علیه حق‌العمل کار دعوی مبنی بر فروش مال به صورت نسبه اقامه و جبران خسارت‌های وارد شده را درخواست کند، تشخیص این امر که آیا حق‌العمل کار بنابر عرف تجارتی مجاز به فروش نسبه بوده یا خیر، محل اظهار نظر مشاور است (کاویانی، ۱۳۹۴).

### ۴-۱-۱- دفتر دادگاه

نکته مهم درباره لایحه اشاره‌نشده به دفتر دادگاه تجاری به لحاظ ساختار و ترکیب آن است. در ماده ۵۰ ق.آ.د.م در این باره چنین مقرر شده است: «هرگاه دادگاه، دارای شعب متعدد باشد، مدیر دفتر باید فوری پس از ثبت دادخواست، آن را جهت ارجاع به یکی از شعب، به نظر رئیس شعبه اول یا معاون وی برساند.» درباره دفتر دادگاه تجاری باید گفت، این دادگاه نیز مانند سایر

شيوه‌های متقالبانه در طرح دعوا استفاده نمی‌کنند یا در صورتی به طرح دعوا می‌پردازند که بتوانند به رویه‌ای که به سودشان است، استناد کنند. در کنار کاهش طرح دعوا اشتغال دستگاه قضا به دادرسی نیز کمتر شده، در نتیجه، رسیدگی به دعاوی با سرعت و کیفیت بیشتری صورت می‌گیرد.

افزون بر این، باید توجه داشت که گاهی تشخیص تقصیر، ایراد خسارت، تخلف، نقض تعهدات مورد قرارداد و به‌ویژه در جایی که متعهدعلیه از دادن اطلاعات لازم برای جلوگیری از بروز خطر در استفاده از محصولات صنعتی خودداری می‌کند، این کار خارج از حیطه صلاحیت دادرس است. اهمیت این موضوع در روابط تجاری بین‌المللی دوچندان می‌شود. بنابراین برای حل و فصل بسیاری از موارد اختلاف تجاری باید به متخصصان امور تجاری مراجعه کرد (کاویانی و همکاران، ۱۳۹۴). مواد مرتبط با نهاد مشاوره در لایحه آیین دادرسی تجاری در مواد ۷، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵ و ۱۷ آمده است.

نکته مهم درباره نهاد مشاور در این لایحه این است که دادگاه هم‌زمان می‌تواند از نظرات مشاور و کارشناس برای صدور رأی استفاده کند. در عمل نیز پیش‌بینی کارشناس و مشاور در دادگاه‌های تجاری مشکلی ایجاد نمی‌کند، زیرا امر ارجاع شده به کارشناس جنبه فنی دارد که بنابر پیچیدگی‌های آن، فرد، نیازمند تخصص خاص است. در واقع هدف کارشناس، بیان نظری عینی و بی‌طرفانه برای کمک به دادگاه در درک جنبه فنی موضوع است. حال آن‌که، مشاور در دادگاه تجاری بنابر مفهوم مواد مرتبط در لایحه برای تشخیص رویه‌های تجاری معتبر پیش‌بینی شده است.

با وجود مزیت نهاد مشاوره که در مطالب بالا به آن‌ها اشاره شد، انتقاداتی نیز بر آن وارد است، به‌ویژه این که تأسیس این نهاد در دادگاه تجاری ممکن است هزینه‌های گزاف به دستگاه قضایی تحمیل کند و این هزینه‌ها بسته به مورد، ممکن است حقوقی یا غیرحقوقی باشد که طولانی‌شدن روند دادرسی، تشخیص ناصواب رویه و عرف تجاری و تعیین‌نکردن چگونگی ارجاع امر به مشاوره (در قالب قرار یا دستور قضایی) برخی از هزینه‌های حقوقی هستند. از طرف دیگر، تکلیف حالتی که نظریه مشاور به صورت مبهم یا ناقص بیان شده نیز مشخص

رویکرد باوجود تشکیلات سازمانی قانونی و اجرای قانون اختصاصی ممکن است که هیچ‌کدام از موارد یادشده در دسترس نیست و تأسیس یک نهاد قضایی، با صلاحیت اختصاصی قاعداً هزینه‌های گزاف منابع انسانی و تأسیسات ساختمانی را در پی دارد.

درنهایت به‌طور خلاصه می‌توان گفت، هرچند در لایحه آیین دادرسی تجاری درباره اختصاصی‌بودن این دادگاه صحبتی نشده است، ولی نظر به اهمیت سه اصل سرعت، امنیت و سهولت در تجارت، در رسیدگی به دعاوی تجاری باید افزون بر انطباق با عناصر یادشده، تخصص و مهارت را نیز در نظر گرفت.

بنابراین پیشنهاد نگارنده آن است که باید پیش از فراهم‌شدن سازوکارهای تشکیل دادگاه تجاری، با صلاحیت اختصاصی، به تخصیص، تعدد و تقویت «دادگاه‌های عمومی تخصصی تجاری» پرداخت و در این‌باره استفاده از ظرفیت‌های بالقوه آیین‌نامه شیوه تشکیل شعب تخصصی مراجع قضایی، مصوب ۱۳۹۸ توصیه می‌شود، زیرا می‌توان از تجارب این شعب رسیدگی به دعاوی تجاری، افزون بر ایجاد رویه قضایی، در زمان تشکیل دادگاه تجاری نیز استفاده کرد.

#### ۱-۲-۲- صلاحیت ذاتی و محلی

زمانی از صلاحیت ذاتی یک محکمه صحبت می‌شود که بخواهیم محاکم را از حیث صنف (اداری یا قضایی)، نوع (عمومی یا اختصاصی) و درجه (تالی یا عالی) تقسیم‌بندی کنیم. صلاحیت محلی هم، یعنی این‌که از بین دادگاه‌های صالح، از نظر صلاحیت ذاتی، کدام دادگاه به‌لحاظ قلمرو جغرافیایی و محلی برای رسیدگی صالح است (هرمزی و فتحی، ۱۴۰۰). در ادامه، به بررسی صلاحیت ذاتی و محلی دادگاه تجاری پرداخته می‌شود:

#### ۱-۲-۲-۱ صلاحیت ذاتی

در قوانین کشورهای خارجی، صلاحیت دادگاه تجاری به‌طور دقیق، تبیین و در لایحه آیین دادرسی تجاری ایران نیز، بحث صلاحیت در مواد ۲۵ تا ۲۸ لایحه یادشده آمده است. در نظام ایران این دادگاه صرفاً صلاحیت رسیدگی به دعاوی مطرح‌شده

مراجع قضایی، مدیر دفتر دارد که وظایفی همچون رفع نواقص و ابلاغ آن، تبادل لوایح، تعیین اوقات رسیدگی و ... را انجام خواهد داد.

#### ۱-۲-۱ صلاحیت دادگاه تجاری

صلاحیت، به توانایی و تکلیف دادگاه برای رسیدگی به دعوا و حل اختلاف گفته می‌شود و صلاحیت دادگاه تجاری در پژوهش حاضر از دو دیدگاه بررسی می‌شود:

#### ۱-۲-۱-۱ صلاحیت اختصاصی و تخصصی

در نظام حقوقی ایران، دادگاه‌های گوناگونی برای رسیدگی به دعاوی حقوقی تأسیس شده است که برخی از آن‌ها صلاحیت عمومی برای رسیدگی به کلیه دعاوی را دارند، مگر مواردی که به‌طور خاص و به حکم قانون در صلاحیت دادگاه دیگری قرار گرفته باشد. در مقابل، برخی دادگاه‌ها منحصراً برای رسیدگی به موضوعات مصرح در قانون تأسیس شده‌اند. درواقع صلاحیت آن‌ها کاملاً حصری است. به این دسته از دادگاه‌ها دادگاه اختصاصی گفته می‌شود.

از سوی دیگر، در دادگاه‌های عمومی شعبی به‌صورت تخصصی و با قضات آموزش‌دیده به پرونده‌های خاصی رسیدگی می‌کنند که پرداختن به آن‌ها با داشتن دانش و تشریف بر موضوعات تخصصی ممکن است. این نوع از شعب دادگاه‌های عمومی با عنوان دادگاه‌های تخصصی شناخته می‌شوند که افزون بر داشتن صلاحیت خاص درباره موضوع تخصصی، صلاحیت عمومی برای رسیدگی به دعاوی دیگر را نیز دارند.

در حال حاضر، آنچه در عمل اتفاق افتاده، اختصاص شعب خاصی از دادگاه‌های عمومی به موضوعات تجاری است و رسیدگی به این موضوعات براساس عمومات آیین دادرسی مدنی انجام می‌شود. حال آن‌که، درصورت پذیرش ماهیت خاص دعاوی تجاری باید تشکیلات و دادگاه جدایی با آیین دادرسی خاص برای این موضوعات در نظر گرفته شود، دادگاهی که به آن، دادگاه اختصاصی گفته می‌شود.

شرایط تأسیس یک دادگاه، با صلاحیت اختصاصی از نظر نرم‌افزار (قانون حاکم) و سخت‌افزار (ساختمان، شعب، نیروی انسانی متخصص) ممکن نیست، زیرا ایجاد چنین نهادی با این

کسب‌وکارها و جامعه اقتصادی تأمین می‌شود. بنابراین در بند یادشده از ماده ۲۵ لایحه در تعیین ملاک صلاحیت، هم به اعمال تجاری و هم به اعمال شخصی توجه شده است.

۲- دعاوی ناشی از امور شرکت‌های تجاری، مانند تشکیل، تصمیمات مجمع عمومی و مدیران، اقدامات بازرسان نقل و انتقال سهام و سهم‌الشرکه، منافع و سود سهام و صورت‌های مالی.

شرکت‌های تجاری، در جایگاه یکی از بازیگران اقتصادی، نقش مهمی در پویایی اقتصادی، اشتغال‌زایی، گردش ثروت در جامعه و خدمات‌دهی گوناگون در جامعه دارند. نظر به اهمیت شرکت‌های تجاری و تأثیر آن‌ها بر منافع عمومی، قانون‌گذار هم به سامان‌دهی فعالیت‌های این حوزه توجه کرده است.

برای ایجاد امنیت حقوقی برای افراد ذی‌نفع یک شرکت و به موازات آن‌ها، جامعه و همچنین تشویق افراد به سرمایه‌گذاری و ایجاد بنگاه‌های اقتصادی و رونق کسب‌وکار به حمایت قانون‌گذار و تأمین امنیت روابط تجاری نیاز هست. بنابراین اختلافات و دعاوی مربوط به شرکت‌ها ممکن است بر سرنوشت افراد زیادی اثرگذار باشد، از این‌رو مطابق بند گفته‌شده درباره دعاوی مربوط به شرکت‌های تجاری، مقرر شده است که با رسیدگی سریع و تخصصی، تا حد ممکن از اطاله دادرسی پیشگیری شود.

نکته دیگر این‌که، موارد یادشده در بند یادشده تمثیلی است و رسیدگی به هر قسم از دعاوی شرکت‌ها در صلاحیت دادگاه تجاری است؛ بنابراین اختلافات مربوط به سهام شرکت و تبدیل آن (مواد ۲۶-۵۰ لایحه اصلاحی قانون تجارت، مصوب ۱۳۴۷)، دعاوی ناشی از اوراق قرضه، حساب‌های مربوط به شرکت، تصفیه شرکت، ورشکستگی، دعاوی شرکا با شرکت و عکس آن، دعاوی ناشی از تعهدات شعبات شرکت (ماده ۲۳ ق.آ.د.م) و ... در حیطه صلاحیت این دادگاه قرار می‌گیرند.

۳- دعاوی توقف، تصفیه و دعاوی مرتبط با آن‌ها: مطابق ماده ۲۱ ق.آ.د.م «دعوی راجع به توقف یا ورشکستگی باید در دادگاهی اقامه شود که شخص متوقف یا ورشکسته، در حوزه آن اقامت داشته است و چنان‌چه در ایران اقامت نداشته باشد، در دادگاهی اقامه

در ماده ۲۵ لایحه آیین دادرسی تجاری را دارد. در ادامه، افزون بر اشاره به موارد تحت صلاحیت دادگاه تجاری به توضیح بندهای مربوط نیز پرداخته می‌شود: «رسیدگی به امور و دعاوی زیر در صلاحیت دادگاه تجاری است:

۱- دعاوی ناشی از اعمال تجاری که طرفین با یک‌طرف آن، تاجر باشد: نکات مهم این بند به شرح ذیل است:

از آنجایی که اعمال تجاری در بند فوق به صورت مطلق به کار رفته است، شامل تمام انواع آن، اعم از ذاتی و تبعی می‌شود. معاملات تجاری ذاتی، معاملاتی هستند که شخصیت معادل (یعنی تاجر بودن یا نبودن) تأثیری در ماهیت این اعمال حقوقی ندارد. به این نوع از اعمال، اعمال تجاری موضوعی یا اصلی یا ماهوی نیز گفته می‌شوند» (دمرچیلی و همکاران، ۱۳۸۴). همچنین قانون‌گذار در ماده ۲ قانون تجارت، اعمال تجاری ذاتی را برشمرده است، اما در مقابل، درباره اعمال تجاری تبعی باید گفت، اگر کسی طبق قانون، تاجر شناخته شود، طبق شرایطی اعمال مدنی او نیز تجاری شمرده می‌شود. به بیان دیگر، یعنی اعمال اصولاً مدنی به تبعیت از وصف تاجر بودن، تجاری محسوب می‌شود، زیرا آن‌ها را تاجر انجام می‌دهد (اسکینی، ۱۳۸۰). این اعمال در ماده ۳ قانون تجارت بیان شده‌اند.

بنابراین در صورتی رسیدگی به دعاوی ناشی از اعمال تجاری (اعم از ذاتی و تبعی) در صلاحیت دادگاه تجاری است که طرفین یا یکی از آنان تاجر باشد. نکته مهم این است که اگر اعمال تجاری ذاتی را شخصی غیر از تاجر انجام دهد، رسیدگی به آن‌ها دیگر از صلاحیت دادگاه تجاری خارج خواهد بود، البته اگر فلسفه تأسیس دادگاه تجاری را رسیدگی یکپارچه به امور تجاری بدانیم، وجود چنین بندی در لایحه مزبور محل انتقاد است، مگر این‌که هدف از تأسیس چنین دادگاهی را نهاد قضایی برای رسیدگی به اختلافات تاجر بدانیم که در این صورت، اشکال بیان شده برطرف می‌شود.

در دنیای تجارت نیز بنابر اقتضائات خاصی سرعت در رسیدگی نیاز هست. از این‌رو با در نظر گرفتن دادگاه‌هایی بدین منظور، نخست، منافع اقتصادی آنان و سپس به طور کلی، امنیت

سرمایه‌پذیر، به حل اختلاف از طریق داوری بین‌المللی و آن هم در یک کشور بی‌طرف تمایل بیشتری دارد، زیرا اصولاً خارجی‌ها به تشخیص دادگاه‌های ملی مستقر در کشور سرمایه‌پذیر و چگونگی رسیدگی و قواعد شکلی و ماهوی کاربردی در این مراجع اعتماد ندارند و نفع و صلاح خود را در حل اختلاف از طریق داوری بین‌المللی می‌بینند (اشمیتوف، ۱۳۷۸: ۲/۱).

در ایران نیز تصویب قانون داوری تجاری بین‌المللی براساس قانون نمونه آنسیترال گام مهمی برای نهادینه‌سازی داوری محسوب می‌شود، ولی نظر به اصل ۱۳۹ قانون اساسی توسل به داوری درباره دعاوی تجاری با صبغه بین‌المللی با رعایت شرایط خاصی فراهم شده و موانع و بندهای مقرر در اصل یادشده، خود، چالش جدی بر سر راه استفاده از داوری تجاری است. از این رو وجود نظام قضایی کارآمد را می‌توان یکی از معیارهای مؤثر در ترغیب سرمایه‌گذاری خارجی برشمرد.

نظر به مطالب گفته‌شده، پیش‌بینی نهاد تخصصی رسیدگی به این‌گونه دعاوی، مطابق لایحه و در دادگاه تجاری، گام مثبتی برای رسیدگی منصفانه و تخصصی به این دعاوی شمرده می‌شود. از این رو تدارک نظام قضایی کارآمد مطابق با استانداردهای شاخص و مؤثر در امر تجارت تأثیر مثبتی در ترغیب سرمایه‌گذاری خارجی در ایران خواهد داشت، زیرا ایجاد دادگاه تخصصی تجاری، یکپارچگی تصمیمات گرفته‌شده در پرونده‌های بین‌المللی، مشارکت و همکاری در قابلیت پیش‌بینی، قطعیت و قابل اعتماد بودن در اقامه دعوا در این مراجع را افزایش می‌دهد.

۵- دعاوی ناشی از قراردادهای تجاری بین‌المللی: در حال حاضر، پیشرفت استفاده از فضای الکترونیک، تجارت را به آن سوی مرزها نیز گسترش داده و تعامل تجاری با کشورهای دیگر با بهره‌گیری از اینترنت و وسایل ارتباط جمعی آسان‌تر از گذشته شده است. از این رو وقتی قرارداد تجاری، دارای وجهه خاصی نظیر، طرف خارجی یا اجرای تعهد در کشور ثالث است، از قرارداد تجاری بین‌المللی صحبت می‌شود. در واقع براساس قواعد حقوق تجارت بین‌الملل، قرارداد بین‌المللی، قراردادی است که حداقل یک عنصر خارجی در آن وجود دارد.

می‌شود که متوقف یا ورشکسته در حوزه آن برای انجام معاملات خود شعبه یا نمایندگی داشته یا دارد.» مطابق ماده ۲۲ ق.آ.د.م درباره شرکت‌های تجاری، از نظر محلی، دادگاهی صالح است که مرکز اصلی شرکت موقوف در حوزه آن قرار دارد. پس از تصویب لایحه مطابق بند یادشده، رسیدگی به دعاوی توقف و دعاوی مرتبط با آن (که تصمیم گرفته‌شده در آن، مؤثر در رسیدگی به تصفیه است) در صلاحیت دادگاه تجاری قرار خواهد گرفت. بنابراین بند ۳ ماده ۲۵ مخصوص ماده ۲۱ و ۲۲ ق.آ.د.م خواهد بود.

در حال حاضر، اگر در مدت تصفیه، رسیدگی به امری به تصمیم قضایی نیاز داشته باشد، دادگاه بدوی صادرکننده حکم ورشکستگی صلاحیت رسیدگی به این امور را دارد، ولی مطابق لایحه این امور در صلاحیت دادگاه تجاری قرار گرفته است.

۴- دعاوی ناشی از سرمایه‌گذاران خارجی: در لایحه تعریفی درباره سرمایه‌گذاری خارجی نیامده و مطابق قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی، مصوب ۱۳۸۰ سرمایه‌گذاری خارجی: «به‌کارگیری سرمایه خارجی در یک بنگاه اقتصادی جدید یا موجود پس از اخذ مجوز سرمایه‌گذاری است.»

استفاده از ظرفیت جذب سرمایه‌گذاران خارجی در کشورهای در حال توسعه از ابزار اساسی توسعه شناخته شده است و سرمایه‌گذاران خارجی برای حضور در چنین کشورهایی که از نظر قضایی نیز کمتر توسعه یافته‌اند، به تضمین‌ها و حمایت‌ها نیاز دارند. بنابراین ایجاد محیط امن برای سرمایه‌گذاران خارجی باوجود شاخص‌های مختلفی، مانند عوامل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و حقوقی ممکن است. از این رو قانون‌گذار با استفاده از ابزارهای قانونی درصدد برطرف کردن موانع قانونی موجود در راه سرمایه‌گذاری خارجی و ایجاد عوامل تسهیل‌کننده است.

البته شیوه‌های مختلفی برای حل و فصل اختلاف درباره یک موضوع و رسیدگی به آن وجود دارد، زیرا ممکن است در برخی مواقع به کمک یک مرجع قضایی و با توسل به دادرسی مقرر در دادگاه داخلی به حل اختلاف پرداخت و یا از امری شبه‌قضایی نظیر داوری یا غیرقضایی، مانند میانجی‌گری بهره گرفت، البته در زمان بروز اختلاف، سرمایه‌گذار خارجی به‌جای اقامه دعوی در یک نظام قضایی و آن هم در کشور

رقابت نامشروع است» (میرحسینی، ۱۳۹۲). مصادیق حقوق مالکیت صنعتی، حق اختراع، علامت تجاری، اسرار تجاری، طرح‌های صنعتی، نشانه‌های جغرافیایی، حقوق رقابت و ... است.

مطابق بند مزبور از ل.آ.د.ت، رسیدگی به بسیاری از انواع اختلافات حقوق مالکیت فکری در صلاحیت دادگاه تجاری است. اختلافات، شامل حقوق معنوی ثبت‌شده (برای مثال، حق اختراعات، علائم تجاری، طرح‌های صنعتی و ...) و حقوق مالکیت معنوی ثبت‌نشده (برای مثال، کپی‌رایت (حق مؤلف)، اسرار تجاری و ...) است. رسیدگی به دعاوی مالکیت فکری در دادگاه تجاری ممکن است مزایای زیادی داشته باشد که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

اول، به دلیل نسبتاً کوتاه بودن عمر حمایت از مالکیت فکری، به‌ویژه درباره حق اختراع و طرح صنعتی، از این دیدگاه، رسیدگی سریع به اختلافات برای موفقیت دارنده چنین حقی در تجاری کردن محصولات، امر حیاتی است. بنابراین برنامه زمانی سخت‌گیرانه براساس قانون جدید به‌خوبی منافع مالکیت فکری را تأمین می‌کند؛ دوم، ممکن است، عناصر فنی در اختلافات مالکیت فکری کاملاً پیچیده باشد و قضات با داشتن دانش تخصصی شاخصی مطلوب به حساب می‌آیند؛ سوم، این امر به‌ویژه برای مناطقی که در آن‌ها دعاوی حقوق مالکیت هنوز در مرحله نوپایی است، مفید به نظر می‌رسد، زیرا تمرکز امور در یک قاضی متخصص بیشتر باید به یکپارچگی بیشتر تفسیر و اجرای قانونی بینجامد (Kaur & Sharma, 2016)؛ چهارم، دارندگان مالکیت فکری به دنبال اطمینان یافتن از نتایج و کاهش خطرات برای تضمین موفقیت کسب و کارشان هستند که آرای دقیق و تخصصی صادرشده در دادگاه تجاری این هدف را تأمین می‌کند (Kaur & Sharma, 2016).

در نظام حقوقی ایران، طبق اصول کلی و قواعد عمومی آمده در ماده ۱۱ ق.آ.د.م، مصوب ۱۳۷۹، اصولاً هر دعوایی باید در دادگاهی اقامه شود که خوانده، در حوزه قضایی آن اقامتگاه دارد. قاعده صلاحیت دادگاه اقامتگاه خوانده بر برخی مبانی، مانند اصل برائت ذمه خوانده و مطابقت ظاهر با حقیقت استوار است. بنابراین خوانده در پناه اصول آن باید کمترین زحمت و

با پدید آمدن اختلاف و چالش درباره قرارداد و تعهدات ناشی از آن، ضرورت وجود نوعی نظام مناسب رسیدگی کننده احساس می‌شود و تجربه نشان می‌دهد که در اغلب اختلافات ناشی از قراردادهای تجاری بین‌المللی، تجار معمولاً به حل و فصل دعاوی و اختلافات معاملات تجاری خود از طریق نظام قضایی کشور خود تمایلی ندارند و علل چنین رویکردی ممکن است، عقیده داشتن به اطاله دادرسی در محاکم و یا تخصصی بودن این کار باشد. بنابراین در نبود نظام قضایی مناسب، ممکن است تجار از روش‌هایی نظیر، میانجی‌گری داوری و ... کمک بگیرند. به همین دلیل، ل.آ.د.ت صلاحیت رسیدگی یکپارچه و تخصصی به این دعاوی را در زمره صلاحیت دادگاه تجاری دانسته است.

۶- دعاوی مربوط به اموال و حقوق مالکیت فکری، صنعتی و تجاری: به‌طور کلی، تعاریف متعددی درباره مالکیت فکری بیان شده است. در کنوانسیون‌ها و موافقت‌نامه‌های مربوط به مباحث آن نیز، تعریف جامع و مانعی درباره این حقوق بیان نشده، بلکه اغلب به بیان مصادیق آن، بسنده، سپس حدود و ثغور حقوق مترتب بر آن‌ها مشخص شده است (حکمت‌نیا، ۱۳۸۷). این نوع حقوق اغلب با موضوعات زاینده فکر و اندیشه انسان و با آفرینش‌های فکری او مرتبط است.

در اغلب متون و اسناد مرتبط، حقوق مالکیت فکری به دو بخش عمده حقوق مالکیت ادبی و هنری و حقوق مالکیت صنعتی تقسیم شده است. در کنوانسیون‌های بین‌المللی تعریفی از مالکیت ادبی و هنری نیامده، بلکه در همه متون، تنها مصادیق آن بیان شده است.

در معاهدات موجود در زمینه مالکیت صنعتی نیز تعریفی از آن نیامده و مشابه مقررات موجود درباره مالکیت ادبی و هنری به برشمردن مصادیق آن بسنده شده است. در تعریف مالکیت صنعتی می‌توان گفت که «مالکیت صنعتی شاخه‌ای از مالکیت فکری محسوب می‌شود که باتوجه به کنوانسیون پاریس، موضوع حمایت از آن، ورقه‌های اختراع، نمونه‌های اشیای مصرفی، طرح‌ها و مدل‌های صنعتی و علائم کارخانه‌ها یا بازرگانی و علائم مربوط به خدمات و اسم بازرگانی و مشخصات مبدأ یا نام‌گذاری اصلی جنس و نیز جلوگیری از

کنند، البته در وضعیت کنونی و در نظام حقوقی ایران، تنها مرجع صالح براساس صراحت قانون برای رسیدگی‌های حقوقی درباره پرونده‌های مالکیت صنعتی دادگاه‌های عمومی تهران است که این امر خود، مشکلات بسیاری را در رسیدگی به چنین دعاوی ایجاد کرده و مهم‌ترین مشکلات، رسیدگی غیرتخصصی، اطاله دادرسی، تراکم پرونده است.

درباره ایجاد دادگاه‌های خاص برای این دعاوی می‌توان دو پیشنهاد مطرح کرد:

اول، دادگاه‌های تخصصی برای رسیدگی به دعاوی مالکیت فکری، پیش‌بینی و ایجاد شوند. از این رو در ماده ۱۴۵ طرح حمایت از مالکیت صنعتی چنین مقرر شده است: «رسیدگی به اختلافات و دعاوی ناشی از اجرای این قانون و آیین‌نامه اجرایی آن حسب مورد، در صلاحیت شعب مجتمع قضایی ویژه مالکیت فکری مستقر در تهران است که ظرف مدت شش‌ماه از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون، توسط رییس قوه قضاییه تشکیل می‌گردد. دادرسی رسیدگی‌کننده به جرایم موضوع این قانون نیز در معیت دادگاه‌های کیفری تهران است که حداکثر تا شش‌ماه بعد از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون توسط رییس قوه قضاییه ایجاد می‌شود.»

دوم، دادگاه‌های اختصاصی پیش‌بینی شده مطابق ماده ۲۵ ل.آ.د.ت تشکیل شود که یکی از مصادیق آن صلاحیت رسیدگی به دعاوی مالکیت فکری است.

۷- امور و دعاوی مربوط به اجرای اسناد خارجی: به شرط این که رسیدگی به اختلاف ناشی از موضوع سند در صلاحیت دادگاه تجاری باشد.<sup>۱</sup>

طبق قانون، سند رسمی تنظیم شده در کشور خارجی، در دادگاه‌های همان کشور اعتبار اسناد تنظیم شده در مراجع صالح داخلی را دارد. منظور از اسناد تنظیم شده در خارج از ایران اسنادی است که مأموران سایر کشورها در خارج از ایران تنظیم کرده‌اند و شرط پذیرش این اسناد در دادگاه‌های ایران آن است

هزینه را برعهده بگیرد و خواهان الزاماً باید به دادگاه محل اقامت خوانده مراجعه کند (متین دفتری، ۱۳۸۷: ۲/۱).

باوجود این، قانون‌گذار با هدف تسهیل و تسریع رسیدگی به دعاوی ناشی از مالکیت فکری، به‌ویژه علامت تجاری، رعایت برخی از مقررات آیین دادرسی مدنی و آیین دادرسی کیفری را درباره صلاحیت اقامتگاه خوانده و صلاحیت دادگاه محل وقوع جرم استثنا کرده است، بدین‌منظور در ماده ۱۷۹ آیین‌نامه اجرایی قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری، مصوب ۱۳۸۷ چنین آمده است: «باتوجه به ماده ۵۹ قانون، رسیدگی به دعاوی حقوقی و کیفری مرتبط با قانون و این آیین‌نامه در صلاحیت شعبه یا شعب خاصی از دادگاه‌های عمومی تهران است که توسط رییس قوه قضاییه، تعیین و در صورت امکان در اداره کل مالکیت صنعتی مستقر می‌شوند. درباره دعاوی کیفری، چنان‌چه جرم از خارج از تهران، واقع یا کشف و یا متهم در خارج از تهران دستگیر شده باشد، در این صورت، تحقیقات مقدماتی در محل وقوع یا کشف جرم یا دستگیری متهم به عمل آمده و پرونده برای رسیدگی به دادگاه‌های یادشده در فوق ارجاع می‌شود.»

در ادامه باید افزود که با هدف رسیدگی تخصصی به دعاوی مالکیت فکری، صرف در نظر گرفتن شعبه یا شعب خاص برای رسیدن به هدف تخصص‌گرایی کافی نیست، بلکه استفاده قوه قضاییه از قضات متخصص و کارآمد در حوزه مالکیت فکری امری ضروری است. طبق رویه اداری، چند سالی است، دعاوی گفته شده معمولاً در دادسرا و دادگاه‌های بدوی و تجدید نظر به چند شعبه خاص ارجاع می‌شود، ولی اختصاصی بودن شعب دادسرا یا دادگاه و تخصصی بودن رسیدگی قضایی به معنای واقعی آن هنوز محقق نشده است.

بنابراین باوجود پیش‌بینی مقرر شده برای رسیدگی به دعاوی مالکیت صنعتی، پیش‌بینی و تأسیس دادگاه تخصصی در این باره بیش از پیش ضروری به نظر می‌رسد، زیرا با توسعه اموال فکری در جامعه و حمایت قانون‌گذار از آن‌ها به مراجعی نیاز است که بتوانند ضمانت اجراهای حقوقی را به‌خوبی اعمال

۱- صلاحیت شعبه مجتمع شهید قدوسی کشوری است، یعنی در این شعبه به تمامی پرونده‌های کیفری در حوزه ثبت علائم و اختراعات رسیدگی می‌شود.

۱- در حال حاضر به پرونده‌های حقوقی با موضوع ثبت علائم و اختراعات در شعبه سوم دادگاه عمومی حقوقی تهران (مجتمع شهید بهشتی) و به پرونده‌های کیفری مربوط به ثبت علائم و اختراعات در مجتمع شهید قدوسی رسیدگی می‌شود؛

که مطابق ماده ۱۲۹۵ ق.م و مواد ۱۸۰-۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی باشند.

مطابق بند یادشده، شرط صلاحیت داشتن دادگاه تجاری درباره اجرای اسناد خارجی این است که رسیدگی به اختلاف ناشی از موضوع سند در صلاحیت دادگاه تجاری باشد و رسیدگی اسناد مطابق ماده ۲۵ اسناد موضوع بندهای ۱-۹ مشمول صلاحیت در صلاحیت دادگاه تجاری است.

۸- امور و دعاوی مربوط به شناسایی و اجرای احکام دادگاههای خارجی: اگر رسیدگی به اصل دعوی در صلاحیت دادگاه تجاری باشد.

بررسی قواعد و مقررات مربوط به اجرای احکام دلالت دارد که درباره اجرای احکام تجاری خارجی، مقرر صریحی وجود ندارد و درباره اجرای احکام خارجی، ماده ۱۶۹ ق.ا.م جاری است. پرسشی که در این باره به ذهن می‌رسد، این است که آیا می‌توان حکم ماده مزبور را به احکام تجاری خارجی نیز تعمیم داد؟ پاسخ به این پرسش را می‌توان به صورت‌های مختلف مطرح کرد:

اول، چنانچه قید «مدنی» احکام مدنی را به مفهوم احکام غیرکیفری و سایر احکام (از جمله احکام تجاری) به استثنای احکام کیفری را مدنی بدانیم، می‌توان گفت که احکام تجاری خارجی نیز مطابق ماده ۱۶۹ قانون مزبور اجرا می‌شوند. ناگفته نماند که احکام صادرشده درباره مسائل کیفری، اداری، مالیاتی و ... اصولاً اثر برون‌مرزی ندارند، زیرا این احکام، نمود اعمال حاکمیت ملی هر حکومت بر سرزمین خود است و احکام کیفری خارجی اساساً در نظام حقوقی ایران به رسمیت شناخته نمی‌شوند، مگر این که درباره اجرای این نوع احکام، موافقت‌نامه بین‌المللی، دوجانبه یا چندجانبه منعقد شود. (جلالی و نوریان، ۱۳۹۹).

دوم، اگرچه حقوق مدنی و حقوق تجارت از شاخه‌های حقوق خصوصی محسوب می‌شوند، هرکدام اصول و قواعد خاص خود را دارند، به گونه‌ای که برای حقوق تجارت، قانون تجارت و برای حقوق مدنی، قانون مدنی وضع شده است و به دلیل وجود قانون خاص درباره تجارت، قانون مدنی در جایگاه قانون مادر در حوزه

حقوق خصوصی قابلیت اعمال ندارد، مگر در مواردی که قانون تجارت حکم خاصی نداشته باشد.

بنابراین رابطه حقوق مدنی و تجارت، رابطه عموم و خصوص من‌وجه است، زیرا تجار در مواردی به علت نقش نظارتی دولت به تبعیت از مقررات حقوق عمومی مکلف هستند (ستوده تهرانی، ۱۳۸۵)، پس، گرچه حقوق تجارت به صورت جدا از حقوق مدنی وجود دارد، در بخش‌هایی در تعامل با حقوق عمومی قرار می‌گیرد و می‌توان گفت، ماده ۱۶۹ قانون یادشده را نمی‌توان درباره احکام تجاری خارجی به کار برد و در این باره نیاز به قانون‌گذاری بیش‌ازپیش احساس می‌شود.

۹- امور و دعاوی ناشی از داوری، اعم از داخلی و خارجی و اجرای آرای آن: به شرط آن که، رسیدگی به اصل دعوی در صلاحیت دادگاه تجاری باشد.

برخلاف اغلب آرای صادرشده در دادگاه‌ها که قابلیت تجدید نظرخواهی دارند، اصولاً آرای داوری قطعی و تجدید نظرناپذیر و نظر به قطعیت آرای داوری، جهات ابطال رأی داور جزء موارد استثنایی هستند و باید به طور مضیق تفسیر شوند. بنابراین اگر طرف داوری به علت ناروا و نادرست بودن رأی داور قصد اعتراض به آن را داشته باشد، دادگاه، مرجع اعتراض و تجدید نظر شناخته می‌شود.

بنابراین مطابق ماده ۴۹۰ ق.ا.د.م، مصوب ۱۳۷۹: «هریک از طرفین می‌تواند ظرف بیست‌روز بعد از ابلاغ رأی داور از دادگاهی که دعوا را ارجاع به داوری کرده یا دادگاهی که صلاحیت رسیدگی به اصل دعوا را دارد، حکم به بطلان رأی داور را بخواهد»، در نتیجه، دادگاهی که دعوا را به داوری ارجاع داده یا دادگاهی که صلاحیت رسیدگی به اصل دعوا را دارد، در این باره صالح خواهد بود. درباره داوری تجاری، اعم از آرای داوری داخلی، بین‌المللی و خارجی بیان چند نکته ضروری است:

اول، طبق مفاده بند ۹ ل.ا.د.ت، بعد از تصویب این لایحه درباره دعاوی که رسیدگی به اصل آن‌ها در صلاحیت دادگاه تجاری است، رسیدگی به اعتراض آرای صادرشده از داوری نیز در صلاحیت همان دادگاه خواهد بود. بنابراین مطابق بند یادشده،

تکلیف درباره مرجع رسیدگی به اعتراض رأی صادرشده از داوری تجاری داخلی کاملاً مشخص است؛

دوم، ابهام باقی مانده باوجود بند مزبور این است که تکلیف آرای داوری بین‌المللی چه خواهد بود؟ زیرا اگر آرای صادرشده از داوری بین‌المللی را مصدافی از آرای داوری خارجی بدانیم، در این صورت، پس از تصویب لایحه، قانون داوری تجاری بین‌المللی، مصوب ۱۳۷۶ تخصیص خواهد خورد، زیرا مطابق ماده ۶ این قانون: «انجام وظایف مندرج در ماده ۹، بندهای ۳ و ۴ ماده ۱۱، بند ۳ ماده ۱۳، بند ۱ ماده ۱۴، بند ۳ ماده ۱۶، ماده ۳۳ و ماده ۳۵ به‌عهده دادگاه عمومی واقع در مرکز استانی است که مقرر داوری در آن قرار دارد و تا زمانی که مقرر داوری مشخص نشده، به‌عهده دادگاه عمومی تهران است.»

حال آن‌که، در لایحه یادشده این امور در صلاحیت دادگاه تجاری قرار داده شده است، ولی در صورت پذیرش نظر افراد معتقد به تفکیک و استقلال داوری بین‌المللی از داوری خارجی، نظر به این‌که موضوع قانون داوری تجاری بین‌المللی، داوری‌های تجاری بین‌المللی است. از این رو خاص‌تر از لایحه آیین دادرسی تجاری محسوب می‌شود. بنابراین با لایحه یادشده، در صورت تصویب، خاص سابق تخصیص نمی‌یابد و همچنان پس از تصویب نیز انجام وظایف مقرر در ماده ۶ قانون یادشده برعهده دادگاه عمومی خواهد بود؛

سوم، نقص لایحه درباره داوری تجاری خارجی آشکار است و باید اصلاح لازم در این باره صورت گرفته، تکلیف این قسم نیز مشخص شود.

۱۰- دعاوی ناشی از اجرای قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، مصوب ۱۳۸۷/۰۳/۲۵ و قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۸۴/۰۹/۰۱: به‌استثنای مواردی که رسیدگی به آن‌ها در صلاحیت سایر مراجع مصرح در قوانین یادشده است.

درباره این بند بیان چند نکته ضروری به‌نظر می‌رسد:

اول، براساس «قانون اصلاح قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی» مصوب ۱۳۸۹، عنوان «قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی» به قانون «اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی» تغییر یافته؛ امری که در لایحه باوجود مؤخر بودن تاریخ تدوین آن درباره این امر، مغفول مانده و همچنان از عنوان سابق و نسبتاً طولانی قانون مزبور استفاده شده است؛

دوم، مواردی که پیش از تصویب ل.آ.ت در صلاحیت دادگاه حقوقی بوده است، پس از تصویب لایحه، در صلاحیت دادگاه تجاری خواهد بود. مانند موارد زیر:

- ابطال خصوصی‌سازی به‌خاطر اعمال نفوذ ناروا (موضوع ماده «ت» ۱ ماده ۲۴):

- لزوم جبران خسارت واردشده به اشخاص حقیقی و حقوقی ناشی از رویه‌های ضد رقابتی (ماده ۶۶):

- جبران خسارت واردشده به منافع عمومی (ماده ۶۷):

- مطالبه خسارات موضوع این قانون (موضوع ماده ۸۰).

سوم، مطابق ماده ۳۵ قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۸۴ «هیأت مدیره بورس به تخلفات انضباطی کارگزاران، کارگزار / معامله‌گران، بازارگردانان، ناشران و سایر اعضای خود از هر یک از مقررات این قانون یا آیین‌نامه‌های ذی‌ربط طبق آیین‌نامه انضباطی خود رسیدگی می‌نماید. رأی بورس به مدت یک‌ماه از تاریخ ابلاغ، قابل تجدیدنظر در سازمان است.» بنابراین رسیدگی به تخلفات انضباطی در صلاحیت هیأت مدیره بورس و رأی صادرشده از آن قابل تجدیدنظر در سازمان است؛ از این نظر، باتوجه به تعیین مرجع صالح برای رسیدگی به تخلفات، دادگاه تجاری صلاحیتی نخواهد داشت و به سایر اختلافات این حوزه نظیر، اختلافات مالی، در دادگاه تجاری رسیدگی خواهد شد.

هدف از تشکیل این دادگاه‌ها رسیدگی تخصصی به دعاوی تجاری و با حضور مشاوره است که از حوزه بازرگانی انتخاب شده و قانون‌گذار با رویکرد ویژه و حمایتی به این قشر نگرینسته است. بنابراین الزام افراد معمولی غیرتاجر به اقامه دعوا در این دادگاه ممکن است غیرعادلانه شمرده شود (جوهر و نیکوند، ۱۳۹۹).

درواقع با این رویکرد مقنن، فرد معمولی غیرتاجر از رجوع به دادگاه عمومی محروم شده است و باید در نهادی اختصاصی طرح دعوا کند و این امر ممکن است مخالف اصول دادرسی عادلانه دانسته شود، زیرا دادرسی عادلانه ایجاب می‌کند که دادگاه صالح، باتوجه به شغل و وصف یکی از طرفین تعیین نشود، پس، وقتی فردی علیه تاجر اقامه دعوا کند و موضوع دعوا نیز موضوع عادی و خارج از مسائل پیچیده و فنی تجاری باشد، مجبور بودن او به اقامه دعوا در دادگاهی که تنها به علت وصف خاص تاجر بودن طرف مقابل، صالح شمرده می‌شود، به دور از عدالت است.

#### ۲-۲-۱- صلاحیت محلی

ماده ۲۵ لایحه در مقام بیان صلاحیت ذاتی دادگاه تجاری است، ولی در این ماده و مواد بعدی از صلاحیت محلی این دادگاه‌ها حرفی زده نشده است. بنابراین مطابق ماده ۱۳۲ لایحه یادشده باید در موارد سکوت، به قانون آیین دادرسی مدنی مراجعه کنیم. در این باره ماده ۱۱ قانون یادشده چنین است: «دعوا باید در دادگاهی اقامه شود که خواننده در حوزه قضایی آن اقامتگاه دارد...»، مطابق این ماده، دادگاه محل اقامت خواننده صلاحیت محلی برای رسیدگی دارد. ناگفته نماند که این اصل نیز استثنائاتی دارد و مطابق ماده ۲۸ لایحه، طرفین دعوا می‌توانند درباره صلاحیت محلی دادگاه توافق کنند.

#### نتیجه‌گیری

اختلافات تجاری و در نتیجه، دعاوی تجاری تجار و شرکت‌های تجاری در امور تجاری از واقعیات روابط تجاری است. اکنون در نظام قضایی ایران اصولاً به دعاوی با ماهیت تجاری در شعبی از دادگاه‌های عمومی در نظر گرفته شده برای این کار رسیدگی می‌شود، یعنی دادگاه‌هایی تخصصی با ماهیت عمومی و با استفاده از قواعد عام آیین دادرسی مدنی، کار ویژه رسیدگی

همان‌طور که در تبصره ماده مذکور مقرر شده است، در صورت وجود ارتباط بین دعاوی متعدد مطرح شده در یک دادخواست، دادگاه تجاری، صلاحیت رسیدگی به تمام دعاوی را خواهد داشت، حتی اگر رسیدگی به برخی، از صلاحیت آن خارج باشد. همچنین مطابق قاعده کلی که در ماده ۱۴۱ ق.آ.د.م مطرح شده است، زمانی می‌توان گفت، دعاوی با یکدیگر ارتباط کامل دارند که «اتخاذ تصمیم در هریک مؤثر در دیگری باشد». فلسفه چنین قاعده‌ای را می‌توان تسریع در رسیدگی دانست.

پس از بررسی هریک از بندهای مقرر در ماده ۲۵ لایحه، به طور کلی درباره صلاحیت دادگاه تجاری بیان چند نکته ضروری است:

اول، توسعه صلاحیت در امور کیفری: مطابق لایحه، رسیدگی به ورشکستگی به تقلب یا تقصیر که قانون‌گذار بسته به برخی شرایط، بعد کیفری نیز به آن بخشیده، در صلاحیت دادگاه تجاری قرار گرفته است. در واقع ممکن است این‌گونه دعاوی، دارای ماهیت تجاری و همراه با مسائل کیفری باشند. از این نظر، توسعه صلاحیت دادگاه تجاری، به صورت اختلاطی از صلاحیت حقوقی و کیفری، از ویژگی‌های خاصی است که در لایحه به این دادگاه داده شده است. همچنین هدف از تبیین صلاحیت با این روش تمرکز، رسیدگی به دعاوی در دادگاه تجاری و افزایش دقت و کاربست صحیح مجازات‌های کیفری متناسب با امور تجاری است (خادمی، ۱۳۹۴).

بنابراین نظر به این که شرایط محکومیت به انواع ورشکستگی در قانون تجارت مقرر شده، رسیدگی به این جرایم در دادگاه تجاری نیز بنابر ماهیت تجاری آن‌ها از بدیهیات است تا این دادگاه به خاطر تخصص و تشرف بر مسائل ماهوی و شکلی امور تجاری به تعیین مجرم و مجازات او بپردازد؛

دوم، تعیین صلاحیت براساس موضوع دعوا: بندهای ۱ و ۲ ماده ۲۵ ناظر به دعاوی ناشی از آن‌گونه اعمال تجاری است که هر دو طرف یا یکی از آن‌ها تاجر باشد و دعاوی ناشی از امور شرکت‌های تجاری، مانند، تشکیل، تصمیمات مجمع عمومی و مدیران، اقدامات بازرسان، نقل و انتقال سهام و ... در صلاحیت محاکم تجاری قرار گرفته است.

تجارت در فروردین ۱۴۰۳ نام برد که باعث خواهد شد تشکیل اصولی دادگاه‌های اختصاصی با مشکل عدیده‌ای مواجه شود، چراکه مطابق با ماده ۴۸۲ لایحه قانون تجارت تشکیل شعبه برای رسیدگی به دعاوی تجاری کافی می‌باشد و نیازی به دادگاه‌های اختصاصی و آیین دادرسی تجاری نداریم، در نتیجه با تصویب این قانون باید با تخصص در حوزه تجاری خدافظی نماییم. نتیجه آن که لایحه جدید فاصله زیادی با بحث تخصص‌گرایی در حوزه دعاوی تجاری دارد.

تشکیل دادگاه‌های تجاری به عنوان یک نهاد قضایی تخصصی، به منظور رسیدگی به دعاوی و اختلافات تجاری و اقتصادی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. علل اصلی تشکیل این دادگاه‌ها را می‌توان به چند دسته تخصصی‌سازی، حفاظت از منافع اقتصادی، کاهش بار قضایی و تقویت امنیت حقوقی تقسیم کرد:

در واقع دعاوی تجاری اغلب پیچیدگی‌های خاص خود را دارند. وجود قضات متخصص در زمینه حقوق تجارت می‌تواند به تسریع و دقت در رسیدگی به این دعاوی کمک کند و با توجه به نقش کلیدی تجارت در اقتصاد ملی و بین‌المللی، ایجاد نهادهایی برای حمایت از حقوق و منافع تجار و سرمایه‌گذاران ضروری است. در واقع دادگاه‌های تجاری می‌توانند به کاهش حجم پرونده‌ها در دادگاه‌های عمومی کمک کنند و روند رسیدگی را تسهیل نمایند. همچنین وجود یک نظام قضایی مشخص و کارآمد در زمینه تجارت، می‌تواند به تقویت امنیت حقوقی و اعتماد سرمایه‌گذاران کمک کند.

پیشنهادات: تشکیل دادگاه‌های تجاری به منظور رسیدگی به دعاوی تجاری و اقتصادی می‌تواند به دلایل مختلفی صورت گیرد. در زیر به برخی از پیشنهادات برای تشکیل دادگاه‌های تجاری اشاره می‌شود:

با تشکیل دادگاه‌های تجاری، دعاوی مربوط به تجارت و کسب‌وکار توسط قضات متخصص در این حوزه بررسی می‌شود. این امر می‌تواند به افزایش دقت و کیفیت تصمیم‌گیری‌ها کمک کند. همچنین دادگاه‌های تجاری می‌توانند با توجه به نوع دعاوی و نیازهای خاص آن‌ها، فرآیند

به دعاوی تجاری را برعهده دارند، درحالی‌که شعب تخصصی با ماهیت عمومی پاسخگوی رسیدگی تخصصی به این مسائل نیستند که همین مسائل باعث ایجاد اطاله دادرسی خواهد شد.

یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد مطالعاتی که پیرامون امکان‌سنجی یک طرح یا پروژه انجام می‌شود، تمام جوانب و موانع آن طرح و اثر را در نظر می‌گیرد تا میزان عملی بودن و ارزش آن را مشخص کند. در هر تحقیقی امکان‌سنجی را می‌توان در دسته‌ها و انواع مختلفی بررسی نمود که مهم‌ترین آن امکان‌سنجی قانونی و فنی نام دارد. در امکان‌سنجی قانونی بررسی خواهیم کرد که طرح و پروژه پیشنهادی با الزامات قانونی و مقررات موجود به چه میزان همخوانی و هماهنگی دارد. درحقیقت با بررسی امکان‌سنجی قانونی متوجه خواهیم شد تصویب نهایی لایحه جدید قانون تجارت چه آسیب‌های جبران‌ناپذیری را بر ایجاد دادگاه‌های اختصاصی تجاری وارد می‌آورد.

در امکان‌سنجی فنی تمام ظرفیت‌های سخت‌افزاری (دادگاه‌ها و نیروی کار) و همچنین ظرفیت‌های نرم‌افزاری، مانند قوانین موجود مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. در این نوع از انواع امکان‌سنجی باید به زیرساخت‌های کشور، از جمله وجود مدیران شعبه متخصص و تصویب آیین دادرسی تجاری و درنهایت وجود ساختمان‌های اختصاصی اشاره شود که نقش به‌سزایی در تسریع امر رسیدگی ایفا می‌کند. بنابراین بنا بر بررسی‌های انجام‌شده مشخص می‌شود که موانع و مشکلات فراوانی در راه تشکیل دادگاه‌های تجاری وجود دارد.

درحقیقت یکی از مهم‌ترین مشکلات دستگاه قضایی ایران اطاله دادرسی است. علل قانونی (ماهوی، شکلی)، از جمله علل و اسباب اطاله دادرسی می‌باشند. جهت عدم وقفه در امور تجاری، لازم است اختلافات حاصله، به سرعت و با دقت حل و فصل گردد، دو فاکتوری که در دادرسی در محاکم عام و با آیین دادرسی عام حاصل نمی‌شود، بلکه این امر با تشکیل دادگاه ویژه تجاری محقق می‌شود. با این حال به نظر می‌رسد حذف دادگاه‌های تجاری در ایران نه به واسطه ضعف در نفس این تشکیلات، بلکه ناشی از قانون‌گذاری نامناسب در این زمینه است. یکی از این موارد را می‌توان تصویب لایحه قانون

- اسکینی، ربیعا (۱۳۸۰). حقوق تجارت. چاپ دوم، تهران: انتشارات سمت.

- اشمیتوف، کلایو ام (۱۳۷۸). حقوق تجارت بین الملل. ترجمه بهروز اخلاقی، فرهاد امام، سیدمحمد اسبقی نمینی، محمود باقری، امیرحسین طیبی فرد، اسماعیل همت دوست، جلد اول، تهران: انتشارات سمت.

- الیوت، کاترین و ورنون، کاترین (۱۳۸۷). نظام حقوقی فرانسه. ترجمه صفر بیگزاده، چاپ اول، تهران: انتشارات سمت.

- جلالی، محمود و نوریان، علی (۱۳۹۹). «مطالعه تطبیقی شرایط کلی شناسایی و اجرای احکام خارجی در حقوق ایران و اتحادیه اروپا». فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، ۵۰(۲): ۷۷۱-۷۹۲.

- جوهر، سعید و نیکوند، شکرالله (۱۳۹۹). «بررسی مدارا و کج تابی سازش در دعاوی جمعی تجاری». فصلنامه پژوهش‌های اخلاقی (انجمن معارف اسلامی)، ۴۰(۴): ۸۶-۷۱.

- حکمت‌نیا، محمود (۱۳۸۷). مبانی مالکیت فکری. قم: نشر سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

- خادمی، مسعود (۱۳۹۴). دادگاه تجارت و آثار احیای آن در تشکیلات قضایی ایران با نگرشی تطبیقی به حقوق فرانسه و انگلیس. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مرودشت: دانشگاه آزاد اسلامی.

- دمرچیلی، محمد؛ حاتمی، علی و قرائی، محسن (۱۳۸۴). قانون تجارت در نظم حقوقی کنونی. چاپ پنجم، تهران: انتشارات میثاق عدالت.

- ستوده تهرانی، حسن (۱۳۸۵). حقوق تجارت. جلد اول، تهران: انتشارات دادگستر.

- فره‌وشی، فهیمه (۱۳۹۸). «قضات غیرحرفه‌ای در نظام قضایی آلمان». نشریه تحولات قضایی، ۴: ۲۳-۲۵.

رسیدگی را تسریع کنند و زمان رسیدگی به پرونده‌ها را کاهش دهند. با تفکیک دعاوی تجاری از سایر دعاوی عمومی، بار کاری دادگاه‌های عمومی کاهش یافته و آن‌ها می‌توانند بر روی سایر مسائل حقوقی تمرکز کنند. وجود دادگاه‌های تجاری می‌تواند به ایجاد اعتماد در بین سرمایه‌گذاران کمک کند، زیرا آن‌ها مطمئن خواهند بود که دعاوی تجاری به‌طور تخصصی و سریع رسیدگی خواهد شد. همچنین تشکیل دادگاه‌های تجاری می‌تواند به توسعه فرهنگ حقوقی در حوزه تجارت و کسب‌وکار کمک کند و آگاهی عمومی را در مورد حقوق و وظایف تجار افزایش دهد، البته ایجاد سازوکارهایی، مانند میانجی‌گری و داوری در کنار دادگاه‌های تجاری می‌تواند به حل‌وفصل سریع‌تر و کم‌هزینه‌تر اختلافات کمک کند. همچنین دادگاه‌های تجاری می‌توانند به قوانین خاصی که در حوزه تجارت وجود دارد، توجه بیشتری داشته باشند و از این طریق به حفظ حقوق تجار و کسب‌وکارها کمک کنند. درنهایت تشکیل دادگاه‌های تجاری می‌تواند به ارتقای نظام حقوقی کشور و انطباق آن با استانداردهای بین‌المللی کمک کند که این امر نیز می‌تواند بر رشد اقتصادی تأثیر مثبت بگذارد و ایجاد برنامه‌های آموزشی برای قضات و کارکنان دادگاه‌های تجاری می‌تواند به بهبود کیفیت خدمات قضایی در این حوزه کمک کند. باتوجه به تحولات سریع در دنیای تجارت، دادگاه‌های تجاری می‌توانند بستر مناسبی برای بررسی و تطبیق قوانین با نوآوری‌ها و تغییرات جدید فراهم کنند.

**ملاحظات اخلاقی:** در این پژوهش تمامی ملاحظات اخلاقی رعایت گردیده است.

**تعارض منافع:** نگارش این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

**سهم نویسندگان:** مشترک.

**تشکر و قدردانی:** ابراز نشده است.

**تأمین اعتبار پژوهش:** این پژوهش بدون تأمین مالی انجام گرفته است.

**منابع و مأخذ**

**الف. منابع فارسی**

- کاویانی، کوروش؛ رحمتی، پرویز و خودکار، رضا (۱۳۹۴). «نقدی بر نهاد مشاوره در لایحه آیین دادرسی تجاری». مجله پژوهش‌های حقوقی، ۱۷(۳۴): ۲۶۰-۲۴۱.
- متین دفتری، احمد (۱۳۷۸). *آیین دادرسی مدنی و بازرگانی*. جلد اول، چاپ اول، تهران: انتشارات مجد.
- موسوی، سیدحسین (۱۳۹۲). *بررسی لایحه آیین دادرسی دادگاه تجاری درباره صلاحیت و ساختار دادگاه تجاری و مقایسه آن با حقوق فرانسه*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، نام استاد راهنما مهدی حسن‌زاده، قم: دانشگاه قم.
- میرحسینی، سیدحسن (۱۳۹۲). *مقدمه‌ای بر حقوق مالکیت معنوی*. چاپ دوم، تهران: انتشارات میزان.
- هرمزی، خیرالله و فتحی، بدیع (۱۴۰۰). «گسترش دامنه صلاحیت ذاتی ناشی از ارتباط دعاوی مدنی؛ مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و فرانسه با تأکید بر رویه قضایی». *فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی*، ۵۱(۱): ۱۸۲-۱۶۳.

#### ب. منابع انگلیسی

- Kaur, B & Sharma, S (2016). *What India's New Commercial Courts Mean For IP Owners World Intellectual Property Report*. 30 WIPR 33.
- Wagner, G & Arntz, A (2020). *Commercial Courts in Germany*. Edited by Chen, L & Janssen, A. In: *Dispute Resolution in China, Europe and World*. New York: Springer Publishing Company.
- Mitsi, M (2022). *Commercial Courts: Exploring Key Models*. Prepared under ADB TA 6703: Strengthening Judicial Capacity Towards Sustainable Economic Development in Asia and the Pacific. Prepared for Cambodia Symposium on Commercial Courts, Asian Development Bank.

#### ج. سایت

- École Nationale de la Magistrature. Available at: <https://www.enm.justice.fr/en/training-courses/commercial-courtjudges>. Last Visited: 6/7/20.